

## تحلیل سیاسی هفته (۷۳)

## حمله رژیم صهیونیستی به نوار غزه؛ انگیزه‌ها و پیامدها

نویسنده: فاطمه سلیمانی

## مقدمه

رژیم صهیونیستی از زمان اعلام موجودیت نامشروع خود تاکنون راهبرد محدودسازی مردم فلسطین و به‌ویژه نبرد نظامی همه‌جانبه با گروه‌های مقاومت را پیشه ساخته است. تحرک اخیر این رژیم در حمله به نوار غزه در راستای این راهبرد کلان قابل تحلیل است. ارتش اسرائیل اعلام کرده که این حملات هوایی در پاسخ ۱۷ موشکی است که از سمت غزه به شهرک‌های صهیونیستی پرتاب شده است. در مقابل، گروه‌های مقاومت فلسطینی نیز در پاسخ به این حملات تعدادی راکت و خمپاره به سرزمین‌های اشغالی شلیک کردند. حملات صبح روز جمعه ۱۳ مارس جنگنده‌های صهیونیستی پس از آن صورت گرفت که جنبش جهاد اسلامی فلسطین اعلام کرد که به توافق آتش‌بس با اسرائیل با میانجیگری مصر دست یافته است و از جمله بندهای این توافقنامه، پایبندی رژیم صهیونیستی به عدم استفاده از سیاست‌های ترور رهبران فلسطینی است. در توضیح مطلب باید افزود که نوار غزه از سال ۲۰۰۷ تاکنون در محاصره است که این اقدام با هدف تحت فشار قرار دادن دولت حماس انجام شد. غزه از جمله مناطقی است که در جریان جنگ ۶ روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ به تصرف ارتش رژیم صهیونیستی درآمد و سازمان ملل آن را در زمره مناطق اشغالی اعلام کرده است. سران رژیم صهیونیستی که اخیراً میزبان نخست‌وزیر انگلیس و اعلام حمایت‌های وی از صهیونیسم بین‌الملل بودند، حملات سنگین خود را از راه هوا و حملات تانک‌ها به مناطق وسیعی از غزه آغاز کردند. حملات جنگنده‌های صهیونیستی به بخش‌های مختلف غزه در حقیقت اولین حمله از سلسله حملات پس از اعلام آتش‌بس است. رمزگشایی از این حملات مستلزم شناخت انگیزه‌ها و دلایل تهاجمی صهیونیست‌ها و سپس پیامدهای حاصل از این اقدامات تجاوزکارانه است.

## ۱. انگیزه‌ها و دلایل حملات رژیم صهیونیستی به نوار غزه

درباره انگیزه‌ها و دلایل آغاز حملات صهیونیست‌ها و آغاز دور جدیدی از کشتار فلسطینی‌ها در غزه و همزمانی آن با حوادث منطقه‌ای، دلایل متعددی به شرح ذیل قابل طبقه‌بندی است:

۱-۱. انحراف افکار داخلی از مشکلات رژیم صهیونیستی: این حملات برای رژیم صهیونیستی بیشتر مصرف داخلی داشته و می‌تواند موجب کاهش فشارها و انتقادات علیه سیاست‌های نتانیاهاو مبنی بر اجباری کردن خدمت سربازی برای یهودیان ارتدکس شود که تاکنون تحت عنوان فراگیری آموزش‌های دینی تورات از رفتن به خدمت اجباری و وظیفه عمومی معاف بودند. ظاهر قضیه این است که تمرکز بنیامین نتانیاهاو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بر مسائل منطقه از جمله گروه‌های مقاومت فلسطینی است، اما حقیقت آن است که سؤالات فراوان درباره مسائل داخلی صهیونیست‌ها او را تحت فشار قرار داده است. در کنار این مسائل، از تابستان سال گذشته نیز شورش‌های فراوان و فزاینده‌ای در شهرهای مختلف رژیم صهیونیستی شکل گرفته است. شورش‌هایی که سیاست‌های مقامات صهیونیست به‌ویژه در یک دهه گذشته در مباحث اقتصادی، سیاسی، امنیتی و... سبب اصلی آنها بوده است.

۲-۱. بهره‌برداری رژیم صهیونیستی از فرصت‌های منطقه‌ای: جدا از ملاحظات ایدئولوژیک و مذهبی، اشغال‌ها از لحاظ استراتژیک برای اسرائیل معنا دار است چه اینکه اگر آنها عقب بکشند، حماس می‌تواند با اتکا به فقدان عمق استراتژیک رژیم صهیونیستی حملات هولناکی را علیه این رژیم هدایت کند و از توان بالاتری در حملات مستقیم یا آتش راکت و توپخانه برخوردار شود. بنابراین رژیم صهیونیستی به منظور مقابله با تهدیدهای حیاتی، خود را مجبور به اشغالی می‌بیند که هزینه‌های سیاسی چشمگیری برای آن به همراه دارد. اما درحال حاضر صهیونیست‌ها درصددند این تهدید را از طریق مدیریت روابط استراتژیک با دولت‌های همسایه مهار کرده و در این راستا از موقعیت‌های پیش‌آمده منطقه بهره‌برداری نمایند. اسرائیل مدیریت معضل منطقه‌ای خود را بیش از اینکه بر پایه توازن قوا در منطقه بنا کند، بر بهره‌برداری از تنش‌ها در میان همسایگان بنا نهاده است تا از این طریق از تشکیل یک جبهه متحد نظامی علیه خود جلوگیری به‌عمل آورد. ضمن اینکه همین تنش‌ها می‌تواند فلسطینی‌ها را با کمبود حمایت‌های نظامی و سیاسی در مقابله با اسرائیل مواجه سازد. بنابراین مهمترین نفع اسرائیل در ادامه انشقاق میان همسایگان و بی‌علاقگی آنها به درگیر شدن با این رژیم نهفته است و بر همین مبناست که به بی‌تفاوتی آنها در سیاست‌های تجاوزکارانه خود امیدوار است.

۳-۱. سوءاستفاده از بحران اوکراین: در سطحی دیگر، تحولات اوکراین که به کانون توجه جامعه جهانی تبدیل شده، فرصتی در اختیار رژیم صهیونیستی قرار داد تا از انحراف توجهات در جهت پیشبرد نیات و اقدامات تجاوزکارانه خود بهره برد. تجارب حاصل از سیاست‌های توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی حاکی از آن است که این رژیم در شرایط بحرانی مناطق مختلف، از تمرکز جامعه جهانی بر منطقه بحران‌زده به‌نفع خود در راستای پیشبرد اهداف تجاوزکارانه سوءاستفاده کرده است. امروزه درحالی که توجه جامعه جهانی معطوف به بحران اوکراین و تقابل آمریکا و روسیه بر سر شبه‌جزیره کریمه و برگزاری همه‌پرسی در آن می‌باشد، شاهد آن هستیم که رژیم صهیونیستی اقدامات ضدانسانی خود در قبال مردم بی‌دفاع فلسطین را شدت بخشیده است.

۴-۱. تلاش برای تقویت گفتمان سازش در میان فلسطینی‌ها: رژیم صهیونیستی که در اجرای مرحله اول جنگ غزه ناکام مانده، در شرایطی به امضای توافق سازش با جناح سازشکار فلسطینی به رهبری محمود عباس تن می‌دهد که به اعتراف خود صهیونیست‌ها، وی از جایگاه اجتماعی و مقبولیت بالایی در میان فلسطینی‌ها برخوردار نیست و آنها او را نماینده خود نمی‌دانند. به همین دلیل صهیونیست‌ها سعی دارند با افزایش فشار به ملت فلسطین، گرایش آنها را از گروه‌های مقاومت به سمت گروه‌های سازشکاری مانند فتح به رهبری محمود عباس تغییر دهند و برای رسیدن به این هدف از هر وسیله و اهرمی که ملت فلسطین و گروه‌های مبارز فلسطینی و در مجموع، مخالفان طرح‌های سازشکارانه را تحت فشار قرار داده و موجب تضعیف پایگاه اجتماعی آنها شود، حمایت می‌کنند، زیرا سازش‌ناپذیری ملت استوار فلسطین در دهه‌های اخیر موجب شکست عملی همه طرح‌های سازشکارانه شده و استیصال رژیم صهیونیستی را در مقابل مقاومت اسلامی رقم زده است.

۵-۱. حمایت انگلیس: دور جدید حملات نتانیاهاو به غزه را می‌توان به نوعی محک زدن اوپاما در مورد تحولات منطقه و طرح صلح با فلسطینی‌ها ارزیابی کرد، زیرا اوپاما برای رها کردن طرح خود از بن‌بست و پایان دادن به مناقشه خاورمیانه و حل و فصل مسائل فلسطین در عین اولویت دادن به برتری نظامی و امنیتی اسرائیل و خواستار اعطای برخی امتیازات ظاهری به طرف فلسطینی و راضی‌سازی حداقلی سران سازشکار فتح به رهبری محمود عباس است. اما این چیزی نیست که مورد رضایت نتانیاهاو باشد، زیرا به گفته وی، آنچه در مذاکرات صلح باید به آن دست یافت، اعطای امتیاز از طرف فلسطینی‌ها به اسرائیل است و نه چیز دیگر. از این رو درحالی که لجاجت صهیونیست‌ها در عدم همراهی کامل با طرح صلح اوپاما و جان کری باعث دلخوری

نسبی دولتمردان آمریکایی از مواضع نتانیاهاو شده بود، سفر نخست‌وزیر انگلیس به سرزمین‌های اشغالی و میزبانی او توسط نتانیاهاو همتای اسرائیلی وی و سخنان به‌شدت حامیانه‌ای که در پشتیبانی از مواضع صهیونیست‌ها در مسائل منطقه‌ای اظهار داشته، باعث تجری و لجام گسیختگی رژیم صهیونیستی در صدور فرمان حمله اخیر به غزه شد. این حملات، درست در زمانی صورت گرفت که دیوید کامرون نخست‌وزیر انگلیس و بنیامین نتانیاهاو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با یکدیگر ملاقات و مذاکره داشتند و کنست اسرائیل شاهد سخنانی ضدایرانی و ضد فلسطینی کامرون بود. او در این سخنان ادعا کرد جمهوری اسلامی ایران با پیگیری برنامه هسته‌ای غیرصلح‌آمیز و با حمایت از فعالان فلسطینی مخالف سازش، تهدیدی برای کل جهان است. این اظهارات در ادامه ادعاهای ضدایرانی رژیم صهیونیستی در راستای کشف کشتی ایرانی حامل سلاح می‌باشد که با استقبال مواجه نشد.

## ۲. پیامدهای حمله رژیم صهیونیستی به نوار غزه

از سرگیری حملات رژیم اسرائیل به نوار غزه پیامدهایی در برداشته که نتایج مطلوب مورد انتظار صهیونیست‌ها را نقض می‌کند. مهمترین پیامدها بدین شرح هستند:

۱-۲. **بازتاب جهانی چهره ضد حقوقی رژیم اسرائیل:** رژیم اسرائیل که موجودیت خود را با نقض حقوق بین‌الملل آغاز کرد، طی چندین دهه گذشته همواره ناقض بزرگ حقوق بین‌الملل و حقوق بشر بوده است. حمله اخیر این رژیم به غزه نیز در دو لایه حقوقی قابل بررسی است. از یک‌سو، اقدام تجاوزکارانه صهیونیست‌ها در تناقض آشکار با توافقنامه آتش‌بسی است که بین این رژیم و فلسطینی‌ها منعقد شده و از سوی دیگر، حملات این رژیم از غیرنظامیان فلسطینی قربانی گرفته که بار دیگر نقض فاحش حقوق بشر دوستانه است.

۲-۲. **تغییر موازنه قوا در نوار غزه:** به گفته مقامات صهیونیستی موازنه نظامی در نوار غزه تغییر خواهد یافت، زیرا در نتیجه حملات مکرر به نوار غزه و تقویت مقاومت در میان گروه‌های مبارز، نوع و ماهیت مبارزه تغییر خواهد کرد. سیر تحول استراتژی‌های مبارزاتی دو طرف حکایت از آن دارد که طی دو دهه قبل نوع و ماهیت رویارویی از نبرد متقارن به نبرد نامتقارن تغییر یافته است که بی‌شک موازنه قوا در این قلمرو را به نفع فلسطینی‌ها دگرگون خواهد ساخت. از سوی دیگر، مقاومت فلسطین در حال حاضر امکاناتی در اختیار دارد که می‌تواند اسرائیل را در حملات نظامی آینده غافلگیر کند. اشغالگران، غزه را به سمت جنگ جدیدی سوق می‌دهند که با این تغییرات برنده میدان خواهند بود.

۳-۲. **غلبه گفتمان مقاومت:** علیرغم انگیزه صهیونیست‌ها در تقویت گروه‌های سازشکار، نتیجه اجتناب ناپذیر تجاوزهای اخیر تقویت گفتمان مقاومت و مبارزه و تضعیف گفتمان صلح و سازش بوده است. رژیم صهیونیستی با اقدام اخیر خود نشان داد که به هیچ عنوان قابل اعتماد نبوده و حتی به الزامات گفتمان سازش نیز پایبند نمی‌باشد. از این‌روست که با استمرار و گسترش حملات به مناطق فلسطینی به‌طور طبیعی روحیه مقاومت به منظور آزادسازی سرزمین‌های غصب شده فلسطینیان تقویت و بازتولید می‌گردد. گفتمانی که امروزه نه فقط مردم فلسطین که کل جهان اسلام را درنور دیده است. تصویب لایحه نظارتی در پارلمان لبنان که شهروندان لبنانی را در مقاومت در برابر تجاوزهای اسرائیل صاحب حق می‌داند، نمونه‌ای از تقویت روحیه مبارزه در میان مردم فلسطین و منطقه است.

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

رژیم صهیونیستی که سال‌هاست با نقض مکرر و فاحش اصول و قواعد حقوق بین‌الملل به سرزمین‌های اشغالی فلسطین حمله‌ور می‌شود، در تازه‌ترین اقدام بار دیگر نشان داد که به هیچ اصلی چه حقوقی و چه سیاسی در پیشبرد اهداف توسعه‌طلبانه و تجاوزکارانه خود پایبند نمی‌باشد. عدم تقید این رژیم به اصول روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل نهایتاً نقض غرض کرده، آن را از دستیابی به اهداف خود باز می‌دارد. حمله اخیر صهیونیست‌ها به نوار غزه آنها را در تحقق برنامه‌ها و نیات خود ناکام گذاشته است. این رژیم تحت تأثیر انگیزه‌هایی مانند انحراف افکار داخلی، عدم حمایت حکومت‌های عرب مسلمان از ملت فلسطین، حمایت آشکار انگلیس و مهمتر از همه تقویت گفتمان سازش اقدام به حمله به نوار غزه کرده است، اما این اقدام پیامدهایی را رقم زده است که با اهداف اولیه مورد انتظار آن فاصله زیادی دارد. مخدوش شدن بیش از پیش چهره ضدحقوق بشری رژیم صهیونیستی و ارتقای جایگاه مبارزاتی گروه‌های جهادی و نتیجتاً تقویت گفتمان مقاومت از مهمترین پیامدهایی است که سیاست‌های توسعه‌طلبانه این رژیم را عقیم می‌سازد.

